

دراماتورژی جنبش انقلابی ژینا

در مقاله پیش‌رو، شاهپور شهبازی جنبش انقلابی ژینا را مرحله به مرحله از دی ماه ۹۶ تا امروز برحسب الگوی درام ارسطویی تفسیر و بازسازی می‌کند. شاهپور شهبازی



زنان، رقص جمعی گرد آتش، آبان ۱۴۰۱

۱۴۲

زندگی و درام دو قلوهای توامان اند که در ملتقای تاریخ به هم می‌پیوندند. بدون انسان و زندگی درام آفریده نمی‌شود و بدون درام، معنای انسان و زندگی بازآفرینی و ادراک نمی‌شود. در تقاطع ظرافت‌مندی قانون درام و بی‌همتایی رنگین کمان زندگی، تاریخ از پیش گام به گام همه‌ی پیچ و خم‌های «جنبش انقلابی ژینا» را در ذروه‌ی کمال و بی‌نقصی کنار هم چیده است تا آیندگان از درس‌هایش بیاموزند. براساس درس‌های آموزگارمان تاریخ، «دراماتورژی جنبش انقلابی ژینا» را مرور خواهیم کرد.

دو اصل درام ارسطویی

«دراماتورژی» در ساده‌ترین تعریفش یعنی تکنیک‌های درام. اولین فیلسوف مهم تاریخ که درام را به شکل کاملاً نظام‌مند و منسجم زیر ذره‌بین گذاشت، ارسطو با کتاب «بوطیقا» یا «فن شعر» بود. ارسطو در این کتاب کم‌حجم اما بسیار بنیادی و تاثیرگذار به تحلیل و تبیین آثار دو ژانر «تراژدی» و «کمدی» در دوران یونان باستان می‌پردازد و مولف‌های مشترک و متمایز آنها را در قالب قواعد درام فرموله می‌کند. دو اصل بسیار مهم تئوری ارسطو درباره‌ی درام، مخرج مشترک همه‌ی تنورسین‌های ساختارگرا در سینما است. یکم، درام باید «آغاز» (Anfang)

«میانه» (Mitte) و «پایان» (Ende) «داشته باشد. و دوم اینکه این آغاز و میانه و پایان می‌بایستی یک «کلیت واحد» (ein Ganze) را بسازند. [1] (#_edn1)

بر اساس این دو اصل ارسطویی، هر فیلم داستانی کلاسیک در «سه پرده» (آغاز، میانه، پایان) و از مجموعه‌ای ماجراها (Geschnisse) تشکیل می‌شوند که یک «کلیت واحد» را به نام «پیرنگ» (plot) می‌سازند. در سینما ارتباط ثابت میان این اجزاء با کل را تحت مفهوم «ساختار سه‌پرده‌ای» یا «کلاسیک» فرمول‌بندی می‌کنند. برای اجتناب از بحث‌های تئوریک تخصصی، ارتباط دراماتورژی و جنبش انقلابی ژینا را همراه با یک مثال توضیح می‌دهیم.

واژه «سفر» یک مفهوم ذهنی است اما در جهان واقعی تجربی یک امر بیرونی و عینی است، و به معنای پیمودن مسافت مشخصی مثلا از آلمان به ایران است. مجموعه ماجراها از آغاز سفر، سوارشدن به هواپیما و پرواز تا فرود هواپیما و رسیدن به مقصد، یک «کلیت واحد» به نام «پیرنگ سفر» می‌سازند. بنابراین پیرنگ سفر متشکل مجموعه‌ای از پلات‌های فرعی (داستانک‌ها) به عنوان تجارب عینی بیرونی و ذهنی درونی مسافران است که در طول سفر به عنوان «فرایند تغییر» تجربه می‌کنند و باعث می‌شود شخصیتشان در پایان سفر در مقایسه با آغاز آن تفاوت پیدا کند.

درام اعتراضات ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱

اعتراضات مردم ایران از دی ماه ۱۳۹۶ تا آذر ماه ۱۴۰۱ متشکل از مجموعه‌ای حوادث عینی و تاریخی است (پلات‌های فرعی) که یک «کلیت واحد» به نام «جنبش انقلابی ژینا» را می‌سازند. مهمترین پرسش در «ساختار سه‌پرده‌ای» درام در این جمله پلاتی جان تراپی خلاصه می‌شود: «چه کسی با چه کسی بر سر چه چیزی تضاد دارد؟»

موضوع اصلی داستان عبارت است از: «چه کسی» اول قهرمان داستان است، «چه کسی» دوم ضدقهرمان است، و اولی با دومی «بر سر چه چیزی تضاد دارد»؛ و همه این عناصر مجموعاً یک «کلیت واحد» را می‌سازند. در اعتراضات سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱ قهرمان اصلی مردم ایران، ضدقهرمان نظام جمهوری اسلامی، و تضاد اصلی بر سر «آزادی» و «دیکتاتوری» است که مجموعاً «کلیت واحد» جنبش انقلابی ژینا را می‌سازد. (بنابر دلایلی که خواهد آمد این جنبش با تمام اعتراضات ماقبل خودش ماهیتاً متفاوت است.)

اعتراضات مردم ایران از دی ماه ۱۳۹۶ تا آذر ماه ۱۴۰۱ متشکل از مجموعه‌ای حوادث عینی و تاریخی است (پلات‌های فرعی) که یک «کلیت واحد» به نام «جنبش انقلابی ژینا» را می‌سازند. مهمترین پرسش در «ساختار سه‌پرده‌ای» درام در این جمله پلاتی جان تراپی خلاصه می‌شود: «چه کسی با چه کسی بر سر چه چیزی تضاد دارد؟»

هر درام سینمایی کلاسیک از سه پرده‌ی آغاز، میانه و پایان تشکیل شده است و هر پرده دارای یک بطن دراماتیک (محتوی آن پرده) است که توسط چند «گام دراماتیک» این بطن دراماتیک محقق می‌شود. بطن دراماتیک پرده‌ی اول «تصمیم قهرمان» است و مهمترین «گام‌های دراماتیک» پرده‌ی اول «کاتالیزور» و «نقطه‌ی عطف اول» است. گام «کاتالیزور» در سفر زمانی است که هواپیما روی باند فرودگاه شروع به حرکت می‌کند و خلبان اعلام می‌کند که مسافران کمربندهایشان را ببندند. از این لحظه به بعد سفر به شکل عینی و کمی، به معنای پیمودن مسافت به طرف مقصد، و تحقق هدف آغاز می‌شود. مهمترین ویژگی «کاتالیزور» این است که در این گام «هدف قهرمان» مشخص می‌شود و این هدف سایه‌اش را بر سه پرده‌ی درام می‌اندازد و تا پیروزی یا شکست هدف این سفر ادامه دارد.

پرده نخست: دی ۹۶ تا آبان ۹۸

گام «کاتالیزور» در جنبش انقلابی ژینا با اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ آغاز شد. در این اعتراضات مردم ایران به عنوان قهرمانان اصلی درام برای اولین بار، متفاوت از قیام سازمان‌ها و احزاب مخالف در دهه شصت، و جنبش دانشجویان و جنبش سبز در دهه هفتاد و هشتاد که اعتراضاتشان در چارچوب اصلاح نظام جمهوری اسلامی صورت گرفت، هدف و مقصد سفرشان را در سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و در

شعار «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا» متمایز و مشخص کردند. با وجود اینکه اعتراضات دی ماه سرکوب شد اما سفر مردم ایران به طرف تحقق هدف (سرنگونی نظام یا تحقق شعار «اصلاح طلب اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا») ادامه یافت.



صحنه‌ای از نظا هرات اعتراضی در دیماه ۱۳۹۶-گام «کاتالیزور» در جنبش انقلابی ژینا

گام دوم در پرده‌ی اول، «نقطه‌ی عطف اول» است، یعنی زمانی که هواپیما روی باند فرودگاه بیشترین سرعت را می‌گیرد و چرخ‌هایش از باند جدا می‌شود. از این لحظه به بعد دیگر هیچ بازگشتی به عقب ممکن نیست. هواپیما اگر ترمز کند منفجر خواهد شد و سفر تمام می‌شود؛ بنابراین باید هواپیما تا رسیدن به ارتفاع مناسب با بیشترین سرعت و بیشترین انرژی به بالا و به طرف تحقق هدف حرکت کند.

«نقطه‌ی عطف اول» در جنبش انقلابی ژینا، قیام آبان ۹۸ است؛ نیمه شب بیست و سوم آبان ماه هزار و سیصد و نود و هشت. با تصمیم سران سه قوه قیمت بنزین سه برابر افزایش می‌یابد. خبر پخش می‌شود. مردم به عنوان قهرمانان اصلی درام به میدان می‌آیند. اتوبان‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها، گذرگاه‌ها، کوچه‌ها مبدل به لوکیشن اعتراض می‌شود. نظام جمهوری اسلامی به عنوان ضدقهرمان اما اعتراض را بر نمی‌تابند. از زمین و هوا به مردم شلیک می‌کنند. بیش از ۱۵۰۰ نفر کشته می‌شوند. مهمترین ویژگی «نقطه‌ی عطف اول» این است که بطن دراماتیک پرده‌ی اول، «تصمیم قهرمان» (سرنگونی نظام) تثبیت می‌شود اما تحقق هدف قهرمان به علت قدرت ضدقهرمان به تاخیر می‌افتد.

پرده دوم: آبان ۹۸ تا شهریور ۱۴۰۱

بعد از «نقطه‌ی عطف اول»، پرده‌ی دوم با بطن دراماتیک «خود قهرمان» آغاز می‌شود. یعنی زمانی که هواپیما به مناسبترین ارتفاع می‌رسد و خلبان اعلام می‌کند که مسافران می‌توانند کمریندهایشان را باز کنند. پرده‌ی دوم طولانی‌ترین پرده در ساختار سه‌پرده‌ای است و متشکل از مجموعه‌ای از پلات‌های فرعی (داستانک‌ها) است که حکم «آزمون‌ها»ی مختلف برای تغییر قهرمان داستان را بازی می‌کنند.

«نقطه‌ی عطف اول» در جنبش انقلابی ژینا، قیام آبان ۹۸ است؛ نیمه شب بیست و سوم آبان ماه هزار و سیصد و نود و هشت.

در جنبش انقلابی ژینا این پرده بعد از سرکوب قیام آبان ماه ۹۸ آغاز می‌شود و تا قتل مهسا امینی در شهریور ماه ۱۴۰۱ طول می‌کشد. مهمترین ویژگی پرده‌ی دوم این است که تمرکز بر «خود قهرمان» (مردم ایران) است تا در پرتو عبور از موانع (Hindernis) و آزمون‌ها (Prüfungen) فرایند تغییر را طی کنند به گونه‌ای که در پرده‌ی سوم صلاحیت و آمادگی لازم را برای تحقق هدف (سرنگونی نظام) و حل تضاد اصلی (آزادی با دیکتاتوری) را داشته باشند. در واقع پرده دوم فرایند پوست‌اندازی قهرمان (مردم ایران) برای تحقق هدف و حل تضاد اصلی است. در طی پرده‌ی دوم، مردم ایران حوادث دشوار و متفاوتی را در اعتراضات مختلف و به مناسبت‌های مختلف تجربه کردند. اعتراضات به سرنگونی هواپیمای اوکراینی، خوزستان تشنه، اصفهان بی‌آب، فروپاشی برج‌های متروپل آبادان، اعتصاب کامیون‌داران، معلمان، کارگران و... در تمام این اعتراضات به عنوان پلات‌های فرعی (داستانک‌ها) کماکان هواپیما به طرف مقصد و تحقق هدف (سرنگونی نظام) حرکت می‌کرد، اما هیچ کدام از این اعتراضات تبدیل به اعتراضات سراسری نشد. مجموعه‌ی این اعتراضات پرده دوم جنبش انقلابی ژینا را می‌سازند که ادامه‌ی پرده‌ی اول اما متفاوت از آن است.

پرده سوم، گام اول: دو قطبی شدن ارزش‌ها

در پایان پرده‌ی دوم «نقطه‌ی عطف دوم» به وقوع می‌پیوندد و پرده‌ی سوم آغاز می‌شود؛ یعنی از زمانی که خلبان به مسافران اعلام می‌کند که کمریندهایشان را ببندند. و هواپیما آماده‌ی فرود می‌شود. از این لحظه دوباره هدف قهرمان به مرکز قاب می‌آید. بطن دراماتیک پرده‌ی سوم «نتیجگی تصمیم قهرمان» است. تصمیم مردم ایران در پایان پرده‌ی اول قیام آبان ۹۸ مشخص شد: «اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه

ماجرای «سرنگونی نظام». در پرده‌ی دوم، مردم ایران فرایند تغییر را (بعد از سرکوب آبان ۹۸ تا شهریور ۱۴۰۱) طی رویدادهای مختلف تاریخی تجربه کردند و در پرده‌ی سوم (از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ روز قتل مهسا امینی) باید «نتیجه‌ی تصمیم‌شان در پرده‌ی اول و تغییرات‌شان در پرده‌ی دوم را اثبات کنند. آیا قهرمان (مردم ایران) موفق می‌شوند هدفشان را محقق و تضاد اصلی را حل کنند؟ آیا هواپیما به خوبی فرود می‌آید و مسافران سلامت به مقصد می‌رسند و پیرنگ سفر به عنوان یک «کلید واحد» محقق می‌شود یا نمی‌شود؟ پرده‌ی سوم نیز دارای انواع پلات‌های فرعی (داستانک‌ها) است و از چند گام دراماتیک تشکیل شده است که مهمترین آنها عبارتند از «قطعی شدن ارزش‌ها»، «فاجعه» و «نقطه‌ی اوج».



درکشاکش «قطعی شدن ارزش‌ها» که خون زیباترین فرزندان جنبش انقلابی ژینا در خیابان‌ها بر زمین ریخته می‌شود، اعضای تیم ملی فوتبال به دیدار با رئیس‌جمهور رئیس‌تن می‌دهند. تیم فوتبال در ساعت تاریخی دوست، دوست عمل نمی‌کند.

فاجعه‌ی قتل مهسا امینی به عنوان «نقطه‌ی عطف» دوم و آغاز پرده‌ی سوم است. در اعتراض به قتل مهسا امینی، مردم ایران بار دیگر به طور سراسری به خیابان‌ها می‌ریزند و دوباره شعار سرنگونی نظام را فریاد می‌زنند. در فاصله‌ی کوتاهی هشتگ «مهسا امینی»، دختر‌گرد شهرستانی در توپیترا با بیش از ۹۰ میلیون تریزد شد. اعتراضات هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و جنبش انقلابی ژینا وارد گام «قطعی شدن ارزش‌ها» شد. در این گام صف دوستان و دشمنان قهرمان داستان به شکل کاملاً متمایز از هم جدا می‌شوند. کسانی که همراه قهرمان و در کنار تحقق هدف قهرمان هستند، دوستان و همدست و هم‌سرنوشت او خواهند شد و کسانی که در مقابل قهرمان و هدفش می‌ایستند، دشمنان قهرمان و هم‌دست و هم‌سرنوشت ضدقهرمان می‌شوند. در این گام آنتی‌نرها از حالت تعلیق خارج شدند و الگوهای کهنه‌ی زیست به چالش کشیده می‌شوند و در فرایند پیکار مردم الگوهای زیست تازه‌ای را پیشنهاد می‌دهند. جنبش انقلابی ژینا در این گام در تمام حوزه‌ی عملی و نظری آغاز به فرهنگ‌سازی می‌کند. کانون‌های مقاومت و پیکار متفرق، متکثر اما متحد به شکل خودجوش در اکثر محلات شهرهای بزرگ و کوچک شکل می‌گیرد. انواع و اقسام تاکتیک‌ها و شیوه‌های مبارزاتی مبتکرانه به شکل غریزی عملیاتی و در کمترین زمان سراسری می‌شود. زنان جشن روستی‌سوزان به راه می‌اندازند. تاکتیک آغوش‌های مهربانی توسط دختران و پسران جوان عمومی می‌شود. برای اولین بار در تاریخ ایران زنان دسته‌جمعی و بدون حجاب اجباری در خیابان‌ها دوشادوش مردان ضیافت پرشکوه آزادی را زیر بارش آتش و گلوله تجربه می‌کنند. تاکتیک «عمامه‌پرانی» فغان آخوندها را به عرش می‌رساند.

در گام «قطعی شدن ارزش‌ها» جنبش انقلابی ژینا در اعماق جاری می‌شود. شعر می‌سراید، ترانه می‌سازد، روایت می‌کند، موسیقی می‌آفرید. نقاشی می‌کشد، نمادهای تازه خلق می‌کند. خانه‌تکانی شخصیتی می‌کند. غبارزدایی اخلاقی می‌کند. سم‌زدایی فرهنگی، هنری می‌کند. روزه‌روز، لحظه‌به‌لحظه ارزش‌های تازه‌ای را به عنوان الگوهای زیست پیشنهاد می‌دهد. اشعار حماسی توماج امید می‌آفرید. شعر «برای» شروین جهانی می‌شود. بستن دم‌اسبی زنان تبدیل به نماد رزم می‌شود. از این لحظه تا پایان پرده سوم و مشخص شدن نتیجه‌ی نبرد میان قهرمان و ضدقهرمان، مبارزه فقط بر سر مرگ و زندگی است. «ارزش‌ها دوقطبی» شده‌اند. هیچ راه سوم دیگری متصور نیست. در این گام انواع پلات‌ها فرعی (داستانک‌ها) به وقوع می‌پیوند و صف دوستان و دشمنان جنبش به شکل کاملاً مشخص و متمایز از هم جدا می‌شوند. مرز میان «خوب‌ها» و «بدها» مطلق، اما «خوبی‌ها» و «بدی‌ها» ثابته به ثابته «نسبی» می‌شوند. پلات فرعی فوتبال‌بست‌ها در صف دشمنان مردم ایران در این گام اتفاق می‌افتد.

در کشاکش «قطعی شدن ارزش‌ها» که خون زیباترین فرزندان جنبش انقلابی ژینا در خیابان‌ها بر زمین ریخته می‌شود، اعضای تیم ملی فوتبال به دیدار با رئیس‌جمهور رئیس‌تن می‌دهند. تا کمر دلا می‌شوند. وعده‌های مالی بالا می‌گیرند. عکس‌ها و تست‌های آنچنانی را به متابهی نمک بر زخم ملت می‌ریزند. تمکین می‌کنند و از مهم‌ترین تریبون جهانی، سرود جمهوری اسلامی می‌خوانند. تیم فوتبال در ساعت تاریخی درست، درست عمل نمی‌کند. به صف دشمنان جنبش انقلابی ژینا می‌پیوندد و برای اولین بار در تاریخ با شکست و حذف تیم ملی در رقابت‌های جام جهانی فوتبال مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و جشن می‌گیرند. پلات فرعی الناز رکابی در صف دوستان انقلاب نیز در این گام به وقوع می‌پیوندد. تنها پس دو روز بعد سخنرانی «سیدعلی خامنه‌ای» که با افتخار از دختران ورزشکار ستایش کرد که با حجاب اسلامی در مسابقات

جهانی حاضر می‌شوند، الناز رکابی در یک نمایش ساده اما بسیار جسورانه در فینال رقابت‌های قهرمانی آسیا بدون حجاب اسلامی از صخره‌ها بالا می‌رود و به اندازه یک لشکر به مردم ایران به عنوان قهرمانان اصلی جنبش انقلابی ژینا یاری می‌رساند.

در گام «قطعی‌شدن ارزش‌ها» «مهاها»، «ساریناها»، «حدیث‌ها»، «نیکاه‌ها» «یلداها» و... به خاک‌وخون در غلتیدند. پلات فرعی کشتار غریب و دسته‌جمعی بلوچ‌ها، اوین در آتش، کشف حجاب سلبریتی‌ها، مادران دادخواه، تظاهرات برلین در همبستگی با مردم ایران و... در این گام به وقوع می‌پیوندد. روز به روز حوادث به نفع جنبش انقلابی ژینا رشد فزاینده و صعودی پیدا می‌کند. جنبش انقلابی ژینا با قدرت و سرعت روزافزون به طرف تحقق هدف، سرنگونی نظام، و حل تضاد اصلی، آزادی و دیکتاتوری حرکت می‌کند.

پرده سوم، گام دوم : فاجعه

گام مهم دیگر در پرده سوم گام «فاجعه» است. یعنی زمانی که هواپیما آماده نشستن به روی باند فرودگاه است اما در آخرین لحظه مسافران متوجه می‌شوند که چرخ‌های هواپیما باز نمی‌شود، از این لحظه «فاجعه» آغاز می‌شود. «گام فاجعه» در درام پاتک ضدقهرمان به قهرمان جهت توقف و شکست هدف قهرمان است. در این گام ضدقهرمان، نظام دیکتاتوری جمهوری اسلامی، مهمترین پاتک و کارت سرکوبش را رو می‌کند. شدت این ضربه به میزانی زیاد است که به نظر همه چیز به نفع ضدقهرمان تمام شده است. قهرمان، در تمام حوزه‌ها به بن‌بست می‌رسد. دشمن مصمم است که با هر وسیله‌ای انتقام بگیرد و مانع از تحقق هدف قهرمان شود. تضاد و رویارویی قهرمان و ضد قهرمان به حد اعلا خود می‌رسد.

گام «فاجعه» با قتل کیان پیرفلک و به رگبار گلوله‌بستن خانواده‌اش توسط ارتش آتش‌به‌اختیار نظام اسلامی آغاز می‌شود. مادر کیان فرزندش را شبانه به خانه می‌برد و اطرافش یخ می‌گذارد تا نظام کودک‌کش شهیددزدی نکند. تلخ و زخمی سکوت می‌کند. مراسم خاک‌سپاری آغاز می‌شود. هیچ‌کس نمی‌داند چه در مخیله‌ی مادر زخم‌خورده می‌گذرد. مادر کیان اما در مراسم خاک‌سپاری چهره‌ی واقعی نظام را برملا می‌کند و تضاد قهرمان و ضدقهرمان به نقطه‌ی انفجاری‌اش می‌رسد:

«اتل مثل توتوله، آ سید علی چچوره، یه ریش داره تا سینه، سیه‌ی پر ز کینه، قلبش مثال سنگه، حرفاش همه جفنگه، هرکی کنه انتقاد، از رشوه و از فساد، لاتای نابکارش، آتیش به‌اختیارش، با کلت توی خیابون، مین سراغ انسون... ما ملت دلیریم ایرانو پس میگیریم»

مادر کیان تمام عوام‌فریبی دوماه گذشته و انکار نظام جمهوری اسلامی را در کشتار جوانان و کودکان و شهید دزدی‌های وقیحانه نقش برآب می‌کند و با شجاعتی بی‌بدیل و بی‌نظیر اعلام می‌کند:

«از زبان خودم بشنوید که نگو تروریست‌ها بودند... کیان گفت بابا این دفعه را به پلیس‌ها اعتماد کن برگرد، خوبی ما را می‌خواهند... دور زدیم... ما را به رگبار بستند... فریاد زدیم آقا نزدیک! نزدیک! زن و بچه‌ست... خود نیروهای لباس شخصی بچهام را زدند و السلام.»

مادر کیان به عنوان یکی از قهرمانان جنبش انقلابی ژینا همچون بامداد نخستین و آخر با نعره‌ای رعداسا تمامی نفرت ملت ایران را به صورت نظام تف می‌کند. ملت یک لحظه در پرتو این صاعقه چهره‌ی بی‌نقاب نظام را به وضوح می‌بینند. قتل کیان بدن عربان و لخت پادشاه را به ملت و جهان نشان می‌دهد و «نقطه‌ی اوج» انقلاب اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

پرده سوم، گام سوم : نقطه اوج

«نقطه اوج» مهمترین، نفس‌گیرترین و آخرین گام مهم پرده سوم در درام است. یعنی زمانی که هواپیما روی باند فرودگاه می‌نشیند و سفر قهرمان با پایان خوب یا بد به اتمام می‌رسد. در این گام مشخص می‌شود که آیا مسافران سالم به مقصد می‌رسند و هدف قهرمان محقق می‌شود یا نه. در این گام درام به بالاترین و انفجاری‌ترین نقطه‌ی تضاد می‌رسد. دوئل نهایی میان قهرمان و ضدقهرمان و سنتز تضاد اصلی درام است. «نقطه‌ی اوج» آخرین و مهم‌ترین میدان کشتار در انقلاب و درام است در این گام قهرمان، ملت ایران باید تکلیف نهایی‌اش را با نظام به عنوان دشمن آزادی مشخص کند. انتخاب میان مرگ و زندگی. در این گام قهرمان، ملت ایران، باید تمام تغییراتی را که در طول

جنبش و سه برده کرده است در عمل اثبات کند و نشان دهد تا چه اندازه به تحقق هدفش و تغییر نظام اعتقاد دارد و تا چه اندازه حاضر است بهای این تغییر و اعتقاد را بپردازد.



بعد از پایان «گام فاجعه» ضدقهرمان فرمان حمله و لشکرکشی نظامی به کردستان را برای از طیش انداختن قلب جنبش انقلابی زینا صادر کرد. متأسفانه اما مردم به طور سراسری در حمایت از کردستان بلند نشد و صدای ساعت تاریخی انقلاب را نشنید. عکس: چند نفر از دختران سبز کردستان در جنبش سراسری «زن، زندگی، آزادی».

«نقطه‌ی اوج» در انقلابات معمولاً از یک سلسله رویدادها تشکیل می‌شود که آخرین رویداد آن گام «مبارزه‌ی مسلحانه» و «قهر انقلابی» است که از طرف حکومت بر مردم تحمیل می‌شود و مردم به ناچار مسلح می‌شوند. «برای هر جامعه‌ی کهنه‌ای که آستان جامعه نوین است قهر انقلابی به منزله‌ی ماما» عمل می‌کند. [ii] (#2edn) در این گام به پایگاه‌های نظامی و تبلیغاتی (صدا و سیما) حمله می‌شود و نقطه‌ی تغییر و سرنگونی نظام و یا نقطه‌ی تثبیت نظام و شکست انقلاب به عنوان یک «کلیت واحد» تعیین می‌شود. این گام با پاسخ‌های صریح و آشکار تعریف می‌شود. آیا قهرمان موفق می‌شود؟ بله یا خیر.

مادرکیان به عنوان یکی از قهرمانان جنبش انقلابی زینا همچون بامداد نخستین و آخر با نعره‌ای رعداسا تمامی نفرت ملت ایران را به صورت نظام تف می‌کند. ملت یک لحظه در پرتو این صاعقه چهره‌ی بی‌نقاب نظام را به وضوح می‌بینند. قتل کیان بدن عریان و لخت پادشاه را به ملت و جهان نشان می‌دهد و «نقطه‌ی اوج» انقلاب اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

بعد از پایان «گام فاجعه» ضدقهرمان فرمان حمله و لشکرکشی نظامی به کردستان را برای از طیش انداختن قلب جنبش انقلابی زینا صادر کرد. متأسفانه اما مردم به طور سراسری در حمایت از کردستان بلند نشد و صدای ساعت تاریخی انقلاب را نشنید. سکوت کرد. به خیابان نیامد و «نقطه‌ی اوج» جنبش انقلابی زینا (دوئل میان مردم و نظام) بدون حضور سراسری مردم و به نفع نظام به وقوع پیوست. جنبش انقلابی زینا به هدف نرسید.

از این تاریخ به بعد سیر به هم‌فشرده، صعودی و فزاینده‌ی حوادث و اعتراضات روند کاملاً معکوس را طی کرد. لحن و روح حاکم بر نظام تغییر کرد. خانواده‌ی «بالایی‌ها» نظام که پیش از این تاریخ در وحشت از پیروزی جنبش انقلابی زینا گروه گروه کشور را ترک می‌کردند، حتی از عقد قرارداد میان ایران و ونزولا برای پناهندگی آنان سخن به آمده بود، به تدریج آرام و فرار گرفتند. «بالایی‌ها» که مانند موش در وحشت از توفان جنبش انقلابی زینا به دست و پا افتاده و صحبت از انحلال گشت ارشاد و زمزمه‌ی تغییر قانون اساسی را می‌دادند، دوباره شیر شدند و حجاب و تغییر قانون اساسی را خط قرمز نظام اعلام کردند.

فرمانده‌های نظامی که پیش از این به شکل رمز و راز به عجز و لایه افتاده بودند دوباره به هل من مبارز افتادند. بدنه‌ی نظامی نظام که در خستگی ناشی از تداوم اعتراضات به لحاظ روحی در حال فروپاشی تدریجی بود، دوباره جان گرفت و مجلس با افزایش حقوق و تعیین امتیازات ویژه به تقویت روحیه آنان پرداخت. «جهرمی» سخنگوی توپخانه‌ی دروغ نظام که دانشجویان او را در گام «قطعی شدن ارزش‌ها» از سالن دانشگاه با حقارت بیرون کرده بودند، با سناریوی جعلی دانشجویان دست‌چین‌شده با تیختر به سخنرانی پرداخت. «زاکانی» شهردار لمپن‌منش تهران که پیش از این شجاعت و جسارت جوانان ارجمند انقلاب رعشه بر اندامش انداخته بود، در سالن دانشگاه با تفرعن انقلاب و فرزندانش را به سرخه گرفت. دبیرستان‌های دخترانه و دانشگاه‌ها که پیش از این قانون اصلی مبارزه بودند به تدریج آرام شدند. آخوندها که از ترس عمامه‌پیرانی بی‌لباس میل در شهر رفت و آمد می‌کردند دوباره شاخ شدند و در بیانه‌ی خواهان قطع دست و پای معترضین شدند. زنان بسیجی چادری که پیش از این در مقابل اراده‌ی آزاد بی‌حجاب‌ها ساکت شده بودند، به تدریج زبانشان باز شد و خواهان سرکوب خشن‌تر زنان

مبارز شدند. به جز راهپیمایی منظم اعتراضات بعد از نماز جمعه‌ی هر هفته در بلوچستان، تداوم اعتراضات در سراسر ایران پراکنده، نامنظم و به تدریج خاموش شد.

جنبش انقلابی ژینا متناسب با گام‌های دراماتیک درام به دلیل عدم حضور به موقع مردم در «نقطه‌ی اوج» که سنتز تضاد اصلی قهرمان و ضد قهرمان است شکست خورد و هدف قهرمان (سرنگونی نظام) محقق نشد. این نوع پایان درام که از اعتراضات دی ماه ۹۶ تا آذر ماه ۱۴۰۱ «کلیت واحد» جنبش انقلابی ژینا را می‌سازد، ترازیک است.

پس از درام: به سوی درون‌ماندگار شدن هدف‌گذاری

به آغاز مقاله بازمی‌گردیم. نوشتیم زندگی و درام دو قلوهای توأم‌اند که در ملتقای تاریخ بهم می‌پیوندند، اما ابتدا زندگی و انسان آغاز شد؛ سپس اندیشه و درام. درام بازآفرینی خلاقانه‌ی واقعیت است، یعنی انسان به علاوه‌ی معنای زندگی به عنوان «حقیقت». واقعیت اما در «جنبش انقلابی ژینا» این است که مردم ایران به عنوان قهرمانان اصلی تاریخ، اگرچه در جنبش انقلابی ژینا، موفق نشدند تضاد آزادی و دیکتاتوری را حل کنند اما در بیکار و تلاش برای حل تضاد و تحقق هدف فرایند تغییر را طی کردند و از دل خود نسل تازه‌ای را پرورش دادند که بر الگوهای واپس‌گرایی زیست که سرشار از بندگی و بردگی است، عصیان‌گرند و تا تحقق نهایی آرمان‌های جنبش انقلابی ژینا تمکین نخواهند کرد.

واقعیت «جنبش انقلابی ژینا» به عنوان یک مفهوم عینی «در آن ساختواره و اشکالی است که دقایق آن شده‌اند» [iii] (#_edn3)؛ مردم لحظه لحظه به شکل تجربی ضرورت آرمان‌های جنبش را در زندگی حس و بخشی از جزئیات آن را در فرایند پیکار و عمل تجربه کردند. این فرایند بازگشتی و متوقف‌شدنی نیست. در آینده و ادامه‌ی فرایند اما، جنبش باید «در عنصر و معنی نویافته‌ی خویش» به عنوان یک «کلیت واحد نو» [iv] (#_edn4) بارز شود تا بتواند به قول لوکاچ، «هدف‌گذاری فرارونده یا متعالی را به هدف‌گذاری درون‌ماندگار استحاله» [v] (#_edn5) دهد، وگره راه‌های رفته و تجربه‌شده به همان نتایج اما به شکل کمیک و مضحکه آن منتهی می‌شوند. آنچنان که مارکس در کتاب «هیجدهم برومر لوئی بناپارت» درباره‌ی این سرشت تاریخ تکراری نوشت:

“،”
هگل در جایی بر این نکته انگشت گذاشته است که همه‌ی رویدادها و شخصیت‌های بزرگ تاریخ جهان به اصطلاح دوبار به صحنه می‌آیند، او فراموش کرده است اضافه کند که بار اول به صورت ترازوی و بار دوم به صورت کمدی [فارس، مضحکه یا نمایش خنده‌دار]. [vi] (#_edn6)

منابع:

[i] (#_ednref1) Aristoteles. Poetik. Manfred Fuhrman. P. 9

[ii] (#_ednref2) لنین. آثار منتخب در دو جلد. جلد اول. ترجمه محمد پورهمزمان. انتشارات فردوس. چاپ ۱۳۸۴.

[iii] (#_ednref3) هگل. مقدمه‌های هگل بر پدانشناسی روح و زیبایی‌شناسی. ترجمه. دکتر محمود عبادیان. نشر علم. چاپ اول. ۱۳۷۸. ص ۳۹.

[iv] (#_ednref4) هگل. مقدمه‌های هگل بر پدانشناسی روح و زیبایی‌شناسی. ترجمه. دکتر محمود عبادیان. نشر علم. چاپ اول. ۱۳۷۸. ص ۳۹.

[v] (#_ednref5) گتورگ لوکاچ. تزه‌ای بلوم. ترجمه. امید مهرگان. نشر ثالث. چاپ ۱۳۹۰. ص ۲۰.

[vi] (#_ednref6) کارل مارکس. هیجدهم برمر. لوئی بناپارت. ترجمه‌ی. باقر پرهام. ص ۱۰.

این مطلب را پسندیدید؟ کمک مالی شما به ما این امکان را خواهد داد که از این نوع مطالب بیشتر منتشر کنیم.

آیا مایل هستید ما را در تحقیق و نوشتن تعداد بیشتری از این‌گونه مطالب یاری کنید؟
از ما حمایت کنید

در حال حاضر امکان دریافت کمک مخاطبان ساکن ایران وجود ندارد

[توضیح بیشتر در مورد اینکه چگونه ما را حمایت کنید](#)